

رابطه بین اهمال کاری و سبک‌های دفاعی مادران با اهمال کاری و سبک‌های دفاعی دختران

آسیه صفرزاده

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدسعید عبدخدایی*

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا طبیبی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه اهمال کاری و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی مادران با اهمال کاری و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی دختران بود. نمونه پژوهش ۳۷۲ نفر، نیمی دختر دبیرستانی و نیمی مادران آنها بودند. پرسشنامه‌های سبک‌های دفاعی (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳) و مقیاس اهمال کاری (تاکن، ۱۹۹۱) میان آزمودنی‌ها توزیع شد. داده‌های به‌دست‌آمده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان‌دهنده رابطه‌های مثبت معنادار بین اهمال کاری، سبک دفاعی رشدیافته، سبک دفاعی رشدنا یافته و سبک دفاعی نورتیک مادران با دختران خود بود. بین استفاده مادران از سبک دفاعی رشد یافته و اهمال کاری دختران رابطه منفی و استفاده مادران از سبک دفاعی نورتیک و اهمال کاری دختران رابطه مثبت معنادار مشاهده شد، اما بین استفاده مادران از سبک دفاعی رشد یافته و اهمال کاری دختران همبستگی مثبت معنادار مشاهده نشد. همچنین از بین سبک‌های دفاعی، به ترتیب میزان استفاده از سبک دفاعی رشدنا یافته به‌طور مثبت، میزان استفاده از سبک دفاعی رشدیافته به‌طور منفی و میزان استفاده از سبک دفاعی نورتیک به‌طور منفی پیش‌بین معنادار برای اهمال کاری بودند.

واژگان کلیدی

اهمال کاری؛ سبک دفاعی رشدیافته؛ سبک دفاعی رشدنا یافته؛ سبک دفاعی نورتیک، مادر-دختر

* نویسنده مسئول

دریافت ۱۳۹۱/۶/۱۷

تصویب ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

مقدمه و بیان مسئله

اهمال کاری^۱ تمایل در به تأخیر انداختن شروع یا تکمیل کارهای مهم اطلاق می‌شود (هاول^۲، واتسون^۳، پاول^۴ و بورو^۵، ۲۰۰۶). هاول و واتسون (۲۰۰۷) اهمال کاری را تأخیر غیرمنطقی و ارادی برخی اعمال به‌رغم دانستن اینکه تأخیر، اثر منفی دارد و فرد باید عواقب آن را متحمل شود در نظر می‌گیرند. استیل^۶ (۲۰۰۷) اهمال کاری را شکلی شایع و مضر از شکست خودتنظیمی می‌داند، که می‌تواند نشانه‌ای از تحمل پایین نسبت به ناکامی، کمال‌گرایی، اضطراب، افسردگی، تفکر درماندگی، خودتردیدی، مهارت‌های سازمان‌دهی پایین، دفاع، مقاومت به تغییر، عادت یا ترکیبی از این‌ها باشد. استیل، برادن و وامبیج^۷ (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که همبستگی اهمال کاری با خلق (حالت و صفت) و شخصیت (روان‌آزردگی، عزت نفس، مکان کنترل، برون‌گرایی، روان‌پریشی، تسلط، نظارت بر خود) بسته به شرایط ثبت اهمال کاری، مشاهده یا خودگزارشی، متفاوت است. این دوگانگی نشان می‌دهد که اهمال کاری خودگزارشی، احتمالاً تحت تأثیر خودارزیابی بوده و آمیخته با خودپنداره می‌شود.

ون ایرده^۸ (۲۰۰۳) به دنبال یافتن متغیرهای مؤثر بر اهمال کاری یکی از محتمل‌ترین آن‌ها را سبک‌های دفاعی^۹ معرفی می‌کند که مجموعه‌ای از مکانیسم‌های دفاعی هستند. انجمن روان‌پزشکی آمریکا (به نقل از وایلنت^{۱۰}، ۲۰۰۲) مکانیسم‌های دفاعی را الگوهای احساسات، افکار و رفتار می‌داند که نسبتاً غیرارادی هستند و در پاسخ به ادراک خطر یا تعارض روانی یا تغییرات غیرمنتظره در محیط درونی یا بیرونی یا در پاسخ به ناهماهنگی شناختی فعال می‌شوند. فهرست مکانیسم‌های دفاعی زیاد است و توافق بر تعدادی از آن‌ها وجود ندارد.

-
1. Procrastination
 2. Howell
 3. Watson
 4. Powell
 5. Buro
 6. Steel
 7. Brothen & Wambach
 8. Van Eerde
 9. Defense Styles
 10. Vaillant



همچنین نظریه‌های مختلف، دسته‌بندی‌های متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. وایلنت (۱۹۷۷)، به نقل از دائره المعارف^۱، (۲۰۱۲) دفاع‌ها را به چهار سطح تقسیم‌بندی می‌کند. سطح یک دفاع‌های پاتولوژیک^۲ مانند انکار، روان‌پریشی و توهم. سطح دو دفاع‌های رشدنا یافته مانند خیال‌پردازی، فرافکنی، پرخاشگری منفعلانه و کنش‌نمایی. سطح سه دفاع‌های نورو تیک مانند عقلانی‌سازی و اکنش متضاد، تجزیه، جابه‌جایی و سرکوبی. سطح چهار دفاع‌های رشدنا یافته مانند شوخ طبعی، والایش فرونشانی، نوع دوستی و پیش‌بینی.

اندروز^۳ (۱۹۹۳)، به نقل از بشارت و همکاران (۱۳۸۶) بر اساس طبقه‌بندی سلسله مراتبی وایلنت، بیست مکانیسم دفاعی را به سه سبک دفاعی رشدنا یافته، نورو تیک و رشدنا یافته تقسیم کرده است. مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته، به منزله شیوه‌های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد محسوب می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی نورو تیک و رشدنا یافته، شیوه‌های مواجهه غیرانطباقی و ناکارآمد هستند. سبک دفاعی رشدنا یافته شامل مکانیسم‌های والایش، شوخی و فرونشانی است. مکانیسم‌های مربوط به سبک دفاعی نورو تیک عبارت هستند از ابطال، دیگر دوستی کاذب، آرمانی‌سازی و اکنش متضاد. سبک دفاعی رشدنا یافته شامل دوازده مکانیسم دفاعی است که عبارت هستند از فرافکنی، پرخاشگری منفعلانه، کنش‌نمایی، مجزاسازی، نارزنده‌سازی، خیال‌پردازی اوتیستیک، انکار، جابه‌جایی، تفرق، دوپارگی (لایه‌سازی)، دلیل تراشی و جسمانی‌سازی (بشارت، ۱۳۸۷).

دو سازه سبک‌های دفاعی و اهمال‌کاری وجوه مشترکی دارند. هر دو یک بعد سازش یافته (انطباقی) و یک بعد سازش نایافته (غیرانطباقی) دارند. مکانیسم‌های دفاعی نورو تیک و رشدنا یافته شیوه مواجهه غیرانطباقی است و دفاع‌های رشدنا یافته با عملکرد انطباقی مربوط بوده و هنگامی که افراد از دفاع‌های نامناسب با سن خود استفاده می‌کنند، اغلب عملکرد غیرانطباقی دارند (بشارت، ۱۳۸۷). از طرف دیگر کورکین^۴ و همکاران (۲۰۱۱) معتقد هستند عمل به تأخیر انداختن تکالیف تحصیلی می‌تواند به یک تعریف سنتی از اهمال‌کاری به‌عنوان غیرانطباقی و شکل انطباقی از تأخیر (تأخیر فعال) تقسیم شود. همچنین یکی دیگر از مشترکات

1. Encyclopedia
2. pathological
3. Anderooz
4. Corkin

مکانیسم‌های دفاعی و اهمال‌کاری، رابطه هر دو متغیر با روان‌آزردگی است. روان‌آزردگی با استفاده زیاد از برخی مکانیسم‌های دفاعی رابطه دارد و در نظام روان‌تحلیل‌گری هر اختلال روانی با مکانیسم‌های دفاعی غیرانطباقی مشخصی همراه است و دفاع‌ها نقش مهمی در سلامت روانی افراد ایفا می‌کنند (اندروز، ۱۹۸۹؛ به نقل از افضلی و همکاران، ۱۳۸۸). از طرف دیگر روان‌آزردگی با اهمال‌کاری نیز همبستگی دارد (واتسون^۱، ۲۰۰۱). افرادی که نمرات بالایی در روان‌آزردگی دارند ممکن است به آسانی به وسیله یک تکلیف، احساس دستپاچه شدن کنند و به وسیله فعالیت‌های غیرمهم گیج شده و در نهایت به گرایش به اهمال‌کاری منجر شود (لی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). میلگرام و تین^۳ (۲۰۰۰؛ به نقل از لی و همکاران، ۲۰۰۶) بیان کردند که روان‌آزردگی بالا پیش‌بینی‌کننده اهمال‌کاری و بی‌تصمیمی مزمن است. سطوح بالاتر روان‌آزردگی به اهمال‌کاری و اجتناب از تکالیف منجر می‌شود (راس و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از لی و همکاران، ۲۰۰۶). ون‌ایرده (۲۰۰۳) نیز می‌گوید دو ویژگی شخصیتی در افرادی که اهمال‌کاری را گزارش کردند موجود بوده است یکی سطح پایین خود آگاهی و دیگری میزان بالای روان‌آزردگی.

فرد اهمال‌کار در قبال تعلل ورزیدن، از خود دفاع می‌کند و یکی از ویژگی‌های عمومی اهمال‌کاران، توجیه کردن کارهای خویش است. بدین ترتیب فرد از یک سو انجام کار را به آخرین دقایق موکول می‌کند و از سوی دیگر برای انجام ندادن آن از مکانیسم دفاعی دلیل تراشی نیز استفاده می‌کند. برخی پیامدهای اهمال‌کاری نیز اضطراب (تیس و بامیستر^۴، ۱۹۹۷)، استرس (کلاسن و کازوکا^۵، ۲۰۰۹) و آشفتگی (لی، ۱۹۸۶) است که این‌ها خود باعث استفاده بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی می‌شوند. بنابراین، مکانیسم‌های دفاعی و به تبع آن سبک‌های دفاعی، می‌توانند با اهمال‌کاری پیوند داشته باشند. به این صورت که انتظار می‌رود سبک‌های دفاعی نوروپیک و رشدنا یافته رابطه مثبت با اهمال‌کاری و سبک دفاعی رشد یافته با اهمال‌کاری رابطه منفی داشته باشند.

-
1. Watson
 2. Lay
 3. Tenne
 4. Tice & Baumeister
 5. Klassen & Kuzucu



مادر و کودک دو موجودی هستند که به طور شگرفی زندگی آن‌ها به هم پیوند خورده است. ارتباطی که می‌تواند منشاء دو تأثیر کاملاً متضاد بر شکل‌گیری شخصیت انسان باشد. از یک سو کودک را به انسانی کامل، رشدیافته و بهنجار تبدیل کند و از سوی دیگر ارتباط نامناسب به انواع اختلال‌های روانی و به دنبال آن انواع رنج‌های روانی برای خود و دیگران منجر شود (جهان‌بخش و همکاران، ۱۳۸۹). دختران نوجوان بر این موضوع توافق دارند که آن‌ها بیشتر با مادران خود صحبت می‌کنند و تحت تأثیر عقاید آن‌ها هستند. آن‌ها گزارش داده‌اند که مادران آن‌ها می‌دانند که چه احساسی دارند. مشکلات را بیشتر با مادرانشان در میان می‌گذارند و همچنان ارتباط نزدیک خود را با مادرانشان حفظ می‌کنند (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴). در پژوهش لفکowitz و فینگرمن^۱ (۲۰۰۳) احساسات و رفتارهای مثبت مادران با احساسات و رفتارهای مثبت دخترانشان رابطه داشت. بعضی ویژگی‌های مثبت کمال‌گرایی باعث بالابردن خودکارآمدی زنان به عنوان مادر و در نتیجه اثر مثبت بر فرزندانشان شده است (مکدو^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). همه این‌ها نشان‌دهنده اثرپذیری دختران از مادران است.

بنا بر مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که اهمال‌کاری می‌تواند با مکانیسم‌های دفاعی پیوند یابد. به این صورت که فرد با اهمال‌کاری و اجتناب از انجام دادن کار، پس از رسیدن به موعد مقرر دچار اضطراب شده و این اضطراب او را به سوی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشدنا یافته و نوروپیک به منظور کاهش اضطراب سوق دهد. استفاده از این مکانیسم‌های دفاعی، او را دچار یک آرامش موقت و کاذب کرده و این حالت هم باعث به تأخیر انداختن سایر کارها و اهمال‌کاری شده و این فرآیند به صورت چرخه‌ای معیوب در زندگی فرد ادامه می‌یابد. از طرف دیگر فردی که از مکانیسم‌های رشدیافته استفاده می‌کند، فردی است که دارای سلامت روانی است. این فرد از اعتماد به نفس، خودآگاهی، خودکارآمدی، قدرت تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی و مسئولیت‌پذیری بهره‌مند است و همه این ویژگی‌ها، خصوصیتی است که احتمال اهمال‌کاری را در فرد کاهش می‌دهد. و با توجه به تأثیرات زیاد مادر بر دختر در زمینه‌های مختلف احساسات، رفتار و افکار، انتظار می‌رود اهمال‌کاری دختر با اهمال‌کاری مادر و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی دختر با میزان استفاده از سبک‌های دفاعی مادر رابطه

1. Lefkowitz & Fingerman

2. Macedo

داشته باشد. به این دلیل پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که آیا اهمال‌کاری و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی در دختران می‌تواند با اهمال‌کاری و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی در مادران رابطه داشته باشد؟ و کدامیک از سبک‌های دفاعی پیش‌بینی‌کننده بهتری برای اهمال‌کاری هستند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به دخالت‌نکردن محقق در به‌وجود آوردن داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ناحیه ۶ و ۷ آموزش و پرورش شهر مشهد و مادران آن‌ها بودند. پژوهش ابتدا در میان ۸۰۰ نفر اجرا شد که نیمی دختر و نیمی مادر بودند. که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، حجم نمونه به ۳۷۲ نفر کاهش یافت که نیمی دختر و نیمی مادر بودند که با توجه به جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه کافی است. روش نمونه‌گیری به صورت چندمرحله‌ای بود. از بین دبیرستان‌های نواحی مذکور، پنج دبیرستان و در هر دبیرستان چهار کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و افراد کلاس نیز به صورت تصادفی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند.

در پژوهش حاضر، از دو پرسشنامه سبک‌های دفاعی اندروز، سینگ و بوند (۱۹۹۳) و مقیاس اهمال‌کاری تاکمن^۱ (۱۹۹۱) برای مادران و دختران استفاده شد:

پرسشنامه سبک‌های دفاعی اندروز، سینگ و بوند (DSQ-40-1993)

این پرسشنامه یک ابزار ۴۰ سؤالی است که در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف)، سه سبک دفاعی رشدیافته، نورووتیک و رشدنا یافته را می‌سنجد. ۸ سؤال مربوط به سبک دفاعی رشدیافته، ۸ سؤال مربوط به سبک دفاعی نورووتیک و ۲۴ سؤال مربوط به سبک دفاعی رشدنا یافته است. در این پرسشنامه، مکانیسم‌های دفاعی سبک رشدیافته شامل والایش، پیش‌بینی، فرونشانی و شوخ‌طبعی؛ مکانیسم‌های دفاعی سبک نورووتیک شامل ابطال، واکنش متضاد، آرمانی‌سازی و نوع‌دستی‌کاذب و مکانیسم‌های دفاعی سبک رشدنا یافته شامل

1. Tuckman



فرافکنی، پرخاشگری منفعلانه، کنش‌نمایی، مجزاسازی، ناززنده‌سازی، خیال‌پردازی اوتیستیک، انکار، جابه‌جایی، تفرق، دوپارگی، دلیل‌تراشی و بدنی‌سازی است. اندروز و همکاران (۱۹۹۳)، به نقل از حیدری‌نسب و همکاران، (۱۳۸۶) پایایی این پرسشنامه را از طریق همبستگی‌های بین آزمون و آزمون مجدد بین ۰/۴۶ تا ۰/۸۶ و از طریق آلفای کرونباخ برای سبک‌های رشدیافته، رشدنیافته و نوروپیک به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۸۰ و ۰/۵۸ گزارش کردند. روایی و پایایی این فرم در تحقیقات متعدد دیگر نیز بررسی و تأیید شده است (نیشی‌مورا، ۱۹۹۸؛ سامالنتی و همکاران، ۲۰۰۳؛ روتا و همکاران، ۲۰۰۶؛ ناصرپخت و همکاران، ۱۹۹۶؛ تریجسبرگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ باند، ۲۰۰۴؛ به نقل از حیدری‌نسب و شعیری، ۱۳۹۰). در ایران نیز حیدری‌نسب و همکاران (۱۳۸۶) در نمونه‌های ایرانی (در دو گروه بالینی و غیربالینی) شامل ۶۶۶ دانش‌آموز، ۴۰۱ دانشجو و در مجموع ۱۰۶۷ نفر این فرم پرسشنامه را مطالعه و از لحاظ روانسنجی بررسی کردند. در این پژوهش روایی محتوا بر اساس نظر ۲۰ متخصص روان‌شناسی، روایی همگرا بر اساس همبستگی این پرسشنامه با عوامل شخصیتی پرسشنامه‌نئو و روایی سازه این پرسشنامه محاسبه و همگی معنادار به‌دست آمد. همچنین بین سؤالات در همه مکانیسم‌ها همبستگی معنادار به‌دست آمد که نشان‌دهنده روایی درونی ابزار است. همچنین آن‌ها مقدار پایایی این پرسشنامه را نیز بر اساس بازآزمون و آلفای کرونباخ به‌دست آوردند. تمامی ضرایب همبستگی برآمده از دوبار اجرای پرسشنامه با فاصله سه هفته درباره ۳ سبک دفاعی و ۲۰ مکانیسم دفاعی معنادار و بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ بوده است. آلفای کرونباخ نیز برای سبک‌های دفاعی رشدیافته، رشدنیافته و نوروپیک به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۲، ۰/۵۰ و آلفای کل پرسشنامه در دانش‌آموزان ۰/۷۱، در دانشجویان ۰/۷۸ و در جمعیت کلی ۰/۷۴ بوده است. در پژوهش بشارت (۱۳۸۷) نیز ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هریک از سبک‌های رشدیافته، رشدنیافته و نوروپیک فرم فارسی مقیاس در یک نمونه دانشجویی برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۷۴ بود که نشانه همسانی درونی رضایت‌بخشی است و پایایی بازآزمایی این پرسشنامه برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۴ هفته برای کل آزمودنی‌ها ۰/۸۲ بود.

مقیاس اهمال‌کاری تاکمن (TPS-۱۹۹۱)

این مقیاس ۳۵ سؤال دارد که به شیوه ۴ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین، دامنه نمره‌ها بین ۳۵ تا ۱۴۰ قرار دارد. در پژوهش تاکمن (۱۹۹۱) ضریب پایایی محاسبه شده با آلفای کرونباخ، $0/90$ به دست آمد و روایی آن نیز از طریق همبستگی نمرات این پرسشنامه با نمرات آزمون خودکارآمدی عمومی^۱، $0/47$ - و همبستگی نمرات این پرسشنامه با نمرات مقیاس کارایی خودتنظیم شده^۲، $0/54$ - و ضریب همسانی درونی آن نیز بین $0/90$ - $0/80$ به دست آمد که همگی معنادار بود. در پژوهش تمدنی (۱۳۸۹) ضریب همسانی درونی این پرسشنامه $0/82$ به دست آمد. در پژوهش حاضر، این پرسشنامه را محقق ترجمه و بازترجمه کرد و پس از رفع مشکلات آن، فرم نهایی در میان گروه‌های نمونه اجرا شد. روایی محتوای این پرسشنامه را متخصصان روان‌شناسی تأیید کردند. مقدار پایایی این پرسشنامه نیز با روش‌های آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی برای ۳۰۵ نفر محاسبه شد که ضریب آلفای کرونباخ، $0/81$ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، $0/79$ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب این ابزار است.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده در متغیرهای اهمال‌کاری و سبک‌های دفاعی در گروه مادران، در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات به دست آمده در آزمون‌ها برای مادران

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
اهمال‌کاری	۸۰/۲۲	۱۳/۷۵	۱۸۶
سبک دفاعی رشد یافته	۴۵/۲۶	۱۱/۰۸	۱۸۶
سبک دفاعی رشد نیافته	۱۱۱/۸۳	۲۳/۷۳	۱۸۶
سبک دفاعی نوروژیک	۴۶/۸۹	۱۰/۸۷	۱۸۶

1. General Self-Efficacy Scale
2. Self regulated Performance



میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده در متغیرهای اهمال کاری و سبک های دفاعی در گروه دختران، در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات به دست آمده در آزمون ها برای دختران

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
اهمال کاری	۸۴/۹۵	۱۴/۲۵	۱۸۶
سبک دفاعی رشد یافته	۴۵/۳۷	۱۰/۶۵	۱۸۶
سبک دفاعی رشد نایافته	۱۲۳/۷۳	۲۳/۷۲	۱۸۶
سبک دفاعی نوروتیک	۴۵/۳۳	۱۰/۷۹	۱۸۶

به منظور تحلیل روابط بین متغیرهای اهمال کاری، میزان استفاده از سبک دفاعی رشد یافته، میزان استفاده از سبک دفاعی رشد نایافته و میزان استفاده از سبک دفاعی نوروتیک در دو گروه مادران و دختران، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین متغیرها در دو گروه مادران و دختران و سطح معناداری آنها

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	اهمال کاری								
۲	سبک دفاعی رشد یافته	۰/۱۵*							
۳	سبک دفاعی رشد نایافته	۰/۲۵**	۰/۲۸**						
۴	سبک دفاعی نوروتیک	۰/۰۸	۰/۴۸**	۰/۳۱**					
۵	اهمال کاری	۰/۱۵*	۰/۱۵**	۰/۰۱	۰/۱۵*				
۶	سبک دفاعی رشد یافته	۰/۰۲	۰/۲۷**	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۲۴**			
۷	سبک دفاعی رشد نایافته	۰/۱۰	۰/۱۵*	۰/۱۷**	۰/۰۳	۰/۳۸**	۰/۲۷*		
۸	سبک دفاعی نوروتیک	۰/۰۶	۰/۳۰**	۰/۱۱	۰/۳۰**	۰/۱۲*	۰/۴۰**	۰/۲۵**	۱

*معنادار در سطح ۰/۰۵

**معنادار در سطح ۰/۰۱

بر اساس داده های جدول ۳، بین اهمال کاری مادران و اهمال کاری دختران همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=0/15$, $p=0/020$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشد یافته و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی رشد یافته همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=0/27$, $p<0/0005$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدنیافته و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی رشدنیافته همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=0/17$, $p=0/007$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی نورو تیک و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی نورو تیک همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=0/30$, $p<0/0005$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدنیافته و اهمال کاری دختران همبستگی منفی و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=-0/15$, $p=0/016$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدنیافته و اهمال کاری دختران همبستگی مثبت و معنادار مشاهده نشد (آزمون یک دامنه، $r=-0/01$, $p>0/05$).

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی نورو تیک و اهمال کاری دختران همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد (آزمون یک دامنه، $r=-0/15$, $p=0/016$).

برای پاسخ دهی به این سؤال که: میزان استفاده از کدام یک از سبک های دفاعی در کل گروه مادران و دختران، پیش بینی کننده بهتری برای اهمال کاری است؟ از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. در این تحلیل، اهمال کاری به عنوان متغیر ملاک و انواع سبک دفاعی رشدنیافته، سبک دفاعی رشدنیافته و سبک دفاعی نورتیک به عنوان متغیر پیش بین وارد شدند. براساس داده های SPSS، R در رگرسیون فوق $0/46$ به دست آمد که با توجه به جدول تحلیل واریانس معنادار است ($R^2=0/21$, $P<0/0005$, $F_{3,367}=34/18$). داده های ضریب رگرسیون در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی اهمال کاری

متغیرها	B	SE	β	T	Sig
سبک دفاعی رشدنیافته	-0/348	0/068	-0/266	-5/088	0/000
سبک دفاعی رشدنیافته	0/259	0/028	0/446	9/181	0/000
سبک دفاعی نورتیک	-0/146	0/068	-0/112	-2/150	0/032

متغیرهای پیش بین معنادار، به ترتیب میزان استفاده از سبک دفاعی رشدنیافته به طور مثبت، میزان استفاده از سبک دفاعی رشدنیافته به طور منفی و میزان استفاده از سبک دفاعی نورتیک به طور منفی، توانستند 44% ، 26% و 11% از ضریب رگرسیون را به خود اختصاص دهند.



بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه اهمال کاری و میزان استفاده از سبک های دفاعی مادران با اهمال کاری و میزان استفاده از سبک های دفاعی دختران نوجوان انجام شد و نتایج زیر به دست آمد:

بین اهمال کاری مادران و دختران همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد به این معنا که با افزایش اهمال کاری مادران، اهمال کاری دختران نیز افزایش می یابد. یافته حاضر با پژوهش های فرگوسن، هاروود و لینسکی^۱ (۱۹۹۵)، جهان بخش و همکاران (۱۳۸۹) و شریفی، نیکنام و گیوه چی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. برای تبیین چنین ارتباطی می توان بیان کرد، با توجه به اینکه مادر مهم ترین الگوی رفتاری برای دختر بوده و همانندسازی دخترها با مادر بسیار چشمگیر است (افروز، ۱۳۸۹) دختران، فرصت اثرپذیری از رفتارهای کلامی و غیرکلامی الگوی همجنس بزرگسال را بیش از پسرها دارند؛ از این رو می توان انتظار داشت یک مادر اهمال کار که دائماً کارهایش را به تأخیر انداخته و به بعد موکول می کند، این الگوی رفتاری را به تدریج به دختر خود منتقل کند. از طرف دیگر، یک مادر اهمال کار احتمالاً فردی است دچار اضطراب، بی انگیزشی، خودکم بینی، خودتردیدی و مهارت های سازمان دهی پایین که این صفات او نیز بر دخترش تأثیر گذاشته و زمینه های اهمال کاری را در او به وجود می آورد.

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدیافته و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی رشدیافته همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنا که هرچه مادران بیشتر از سبک های رشدیافته استفاده کنند، دختران نیز بیشتر از سبک های رشدیافته استفاده می کنند. این یافته با پژوهش لفقوویتز و فینگرمن (۲۰۰۳) و همچنین با پژوهش مکدو و همکاران (۲۰۱۱) همخوان است. مادری که بیشتر از سبک دفاعی رشدیافته استفاده می کند، فردی است که گرایش به ارزش ها، توانایی تعدیل احساسات، توانایی تحمل تنش ها، سنجش درست واقعیت، توانایی طرح ریزی اقدامات و خودآگاهی نسبت به احساسات و هیجانات داشته و از سلامت روان بالایی بهره مند است. دختر هنگامی به شایستگی با مادر خود همانندسازی می کند که شخصیت مادر برایش باصلابت، مطمئن، مصمم، محکم، با اعتمادبه نفس، فعال و پویا باشد و

1. Lynskey & Horwood Fergusson

مادران رشدیافته دارای این خصوصیات هستند. از طرف دیگر دختر هنگامی به دنبال الگویی غیر از مادر می‌رود که مادر او فقط دستوردهنده بوده، به دخترش به عنوان فردی بالغ و مستقل ننگرد و به او اجازه تصمیم‌گیری ندهد (گیتی‌پسند، ۱۳۸۷). مادرانی که از سبک دفاعی رشدیافته استفاده می‌کنند، به احتمال کم‌تری چنین ویژگی داشته در نتیجه دختر، این مادر مطمئن و مطلوب را برای خود الگو قرار داده، میزان استفاده او از سبک رشدیافته بیشتر می‌شود.

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدیافته و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی رشدیافته همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنا که هرچه مادران بیشتر از سبک رشدیافته استفاده می‌کنند دختران نیز بیشتر از سبک رشدیافته استفاده می‌کنند. این یافته با پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۸۸) و صرامی و همکاران (۱۳۸۸) همخوانی دارد. یافته این فرضیه را بدین گونه می‌توان تبیین کرد که الگوهای والدینی (علاوه بر مدل‌سازی نقش و وراثت ژنتیک) مکانیسم‌های مهمی هستند که از طریق آن‌ها الگوی باورها، عواطف و رفتار منتقل می‌شود (شریفی و همکاران ۱۳۹۰)، مادرانی که از توجیه، دلیل تراشی، فرافکنی و انکار واقعیت استفاده کرده و منفعل و خیال‌پرداز هستند، به میزان زیادی از سبک دفاعی رشدیافته استفاده می‌کند و چنین رفتاری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر دختر او اثر گذاشته و دختر نیز در موقعیت‌های مختلف، بیشتر از این سبک دفاعی استفاده خواهد کرد.

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی نوروپیک و میزان استفاده دختران از سبک دفاعی نوروپیک همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد به این معنا که هرچه مادران بیشتر از مکانیسم‌های نوروپیک استفاده کنند دختران نیز بیشتر از مکانیسم‌های نوروپیک استفاده می‌کنند. این یافته با یافته پژوهش بیکر، بلر و هنکر^۱ (۲۰۰۰) همخوانی دارد. مادری که از سبک دفاعی نوروپیک استفاده می‌کند احتمالاً فردی مضطرب و وسواسی است که برای کاهش اضطرابش به این مکانیسم‌ها متوسل می‌شود. او اولاً استفاده از این مکانیسم‌ها را به دختر خود آموزش می‌دهد یعنی دخترش یاد می‌گیرد که برای فرار از اضطراب، به استفاده از مکانیسم‌های نوروپیک روی آورد، ثانیاً اضطراب و منش وسواس‌گونه خود را به دخترش منتقل می‌کند و موجب می‌شود دخترش بیشتر به مکانیسم‌های نوروپیک روی آورد.



بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدیافته و اهمال‌کاری دختران همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. به این معنا که هرچه مادران بیشتر از سبک دفاعی رشدیافته استفاده می‌کنند، دختران کم‌تر اهمال‌کاری می‌کنند. این یافته با پژوهش توماس‌تو^۱ و همکاران (۲۰۱۱) و صفایی، بیگدلی و طالع‌پسند (۱۳۹۰) همخوانی دارد. نظریات مختلف اهمال‌کاری، علت اهمال‌کاری را عوامل گوناگونی مانند ارزیابی غلط، اضطراب، مشکل در خودتنظیمی، بی‌انگیزشی، خودگردانی پایین، کمال‌گرایی، ترس از شکست، تفکرات غیرمنطقی و خودکم‌بینی می‌دانند. از طرفی، مادری که از سبک دفاعی رشدیافته بیشتر استفاده می‌کند، مادری است که توانایی تعدیل احساسات، توانایی تحمل تنش‌ها، سنجش درست واقعیت، توانایی طرح‌ریزی اقدامات و خودآگاهی نسبت به احساسات و هیجانات دارد. بنابراین، خودگردان و بانگیزه بوده و دچار اضطراب، تفکرات غیرمنطقی و خودکم‌بینی نیست. چنین مادری احتمال ایجاد اهمال‌کاری را در دختر خود پایین می‌آورد و بنابراین، دخترش کم‌تر اهمال‌کاری می‌کند.

در این پژوهش بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدیافته و اهمال‌کاری دختران همبستگی مثبت و معنادار مشاهده نشد بدین معنی که با افزایش میزان استفاده مادران از سبک دفاعی رشدیافته، میزان اهمال‌کاری دختران افزایش نمی‌یابد. با توجه به اینکه بین میزان استفاده مادران از مکانیسم‌های رشدیافته و نوروتیک با اهمال‌کاری دختران رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، به نظر می‌رسد فقدان معناداری این فرضیه ناشی از خطاهای اندازه‌گیری باشد.

بین میزان استفاده مادران از سبک دفاعی نوروتیک و اهمال‌کاری دختران همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان استفاده مادران از سبک دفاعی نوروتیک، میزان اهمال‌کاری دختران هم افزایش می‌یابد. همان‌طور که گفته شد مادرانی که از سبک نوروتیک استفاده می‌کنند، احتمالاً افرادی مضطرب و با تمایلات وسواسی هستند. آن‌ها نسبت به بسیاری از مسائل دیدگاه افراطی یا تفریط‌گونه دارند، دچار تعارض روانی بوده و از اعتدال به دور هستند. با توجه به تأثیرات بسیار مادر بر دختر در زمینه‌های گوناگون که تحقیقات بی‌شماری آن را اثبات کرده‌است، این وضعیت مادر بر احساس و رفتار دختر تأثیر گذاشته، با ایجاد جوی استرس‌آمیز و وسواس‌گونه در خانواده، روحیه ترس از شکست و کمال‌گرایی را

در دختر تقویت کرده و به این ترتیب زمینه را برای اهمال‌کار شدن دختر فراهم می‌کند. در این پژوهش سؤال شد که میزان استفاده از کدامیک از سبک‌های دفاعی در کل گروه مادران و دختران، پیش‌بینی‌کننده بهتری برای اهمال‌کاری است؟ نتایج نشان داد متغیرهای پیش‌بین معنادار، به ترتیب میزان استفاده از سبک دفاعی رشدنیافته به‌طور مثبت، میزان استفاده از سبک دفاعی رشدنیافته به‌طور منفی و میزان استفاده از سبک دفاعی نوروپیک به‌طور منفی هستند. یعنی از بین سه سبک دفاعی رشدنیافته، رشدنیافته و نوروپیک، قوی‌ترین پیش‌بین برای اهمال‌کاری، سبک دفاعی رشدنیافته است و پس از آن سبک دفاعی رشدنیافته به‌طور معکوس اهمال‌کاری را پیش‌بینی می‌کند. یافته حاضر با یافته گربات^۱ و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد مبنی بر اینکه دفاع‌های رشدنیافته با مقابله گریز و فرار رابطه دارند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افرادی که از سبک دفاعی رشد نیافته استفاده می‌کنند به دلیل همراهی آن با مکانیسم‌های دفاعی دلیل تراشی، انکار و جابه‌جایی در انجام‌دادن کارها اهمال‌کاری ورزیده و از فعالیت بازمانده و به تأخیر بیندازند. متقابلاً کسانی که از مکانیسم‌های سبک دفاعی رشدنیافته بیشتر استفاده می‌کنند، مسئولیت‌پذیر و خودآگاه هستند و بنابراین، کمتر اهمال‌کاری می‌کنند.

با توجه به کثرت مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش، در این پژوهش نقش متغیرهای میانجی مانند خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری، که در ادبیات پژوهش به آن اشاره شده، بررسی نشد. به همین دلیل مطالعات تحلیل مسیر با استفاده از متغیرهای مختلف پیشنهاد می‌شود. همچنین محدودیت دیگر پژوهش این بود که گروه نمونه از میان دانش‌آموزان نواحی شش و هفت آموزش و پرورش شهر مشهد و مادران آن‌ها انتخاب شدند و ممکن است عاملی مانند طبقه اجتماعی آزمودنی‌ها بر نتایج پژوهش تأثیرگذار بوده باشد. لذا پیشنهاد می‌شود در جوامع گسترده‌تر و همچنین در میان نمونه پسران نیز بررسی شود.



منابع

- آقامحمدیان شعرباف، حمیدرضا و حسینی، مهران (۱۳۸۴). روانشناسی بلوغ و نوجوانی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). روانشناسی رابطه‌ها. تهران: دانشگاه تهران.
- افضلی، محمد حسن، فتحی آشتیانی، علی و آزاد فلاح، پرویز (۱۳۸۸). بررسی سبک‌ها و مکانیسم‌های دفاعی افراد مبتلا به اختلال وسواس - بی اختیاری، اختلال اضطراب تعمیم یافته و اختلال هراس اجتماعی. *مجله روان شناسی بالینی*، ۱(۱)، ۹۳-۷۹.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۷). نارسایی هیجانی و سبک‌های دفاعی. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۱۰(۳)، ۱۹۰-۱۸۱.
- بشارت، محمد علی، حاجی آقازاده، ماریا و قربانی، نیما (۱۳۸۶). تحلیل رابطه هوش هیجانی، مکانیسم‌های دفاعی و هوش عمومی. *مجله روانشناسی معاصر*، ۲(۱)، ۵۸-۴۹.
- جهان بخش، مرضیه، امیری، شعله، مولوی، حسین و بهادری، محمد حسین (۱۳۸۹). رابطه مشکلات دل‌بستگی دختران با سبک دل‌بستگی مادران. *مجله روان شناسی بالینی*، ۲(۳)، ۲۴-۱۵.
- حیدری نسب، لایلا، و شعیری، محمد رضا (۱۳۹۰). ساخت عاملی پرسشنامه سبک‌های دفاعی در نمونه‌های غیربالینی ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۶(۲۱)، ۹۷-۷۷.
- حیدری نسب، لایلا، منصور، محمود، آزادفلاح، پرویز و شعیری، محمد رضا (۱۳۸۶). روایی و اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی در نمونه‌های ایرانی. *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۴(۲۲)، ۲۶-۱۱.
- سلیمی، حسین، رضائی، آسیه، خوانکی، زهره و امیری، ماندانا (۱۳۸۸). ارتباط باورهای غیرمنطقی مادران با مشکلات رفتاری دختران دبیرستانی آن‌ها. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱(۹)، ۵۶-۴۵.
- شریفی درآمدی، پرویز، نیکنام، ماندانا و گیوه‌چی، الناز (۱۳۹۰). بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین‌نسلی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۷(۴)، ۴۹۲-۴۷۹.
- صرامی، زهرا، امیری، شعله، نشاط دوست، حمید طاهر و مولوی، حسین (۱۳۸۸). اختلال

- وسواس بی اختیاری مادر و اضطراب در کودکان. فصلنامه روان شناسان ایرانی، ۵(۲۰)، ۳۳۳-۳۴۲.
- صفایی، صدیقه، بیگدلی، ایمان اله و طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۰). رابطه خودپنداره مادر با سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۲)، ۵۲-۳۹.
- گیتی پسند، زهرا (۱۳۸۷). روابط والد فرزند. فصلنامه رشد آموزش مشاور مدرسه، ۱۴، ۳۰-۲۰.
- Baker, B.L., Heller, T.L., & Henker, B. (2000). Expressed emotion, parenting stress and adjustment in mothers of young children with behavior problems. *Journal of child psychology and psychiatry*, 41(7), 907-915.
- Corkin, D.M., Yu, S.L., & Lindt, S.F. (2011). Comparing active delay and procrastination from a self-regulated learning perspective. *Journal of social psychology*, 21(5), 602-606.
- Encyclopedia of Human Behavior(2012) (Second Edition), Pages 659-666.
- Fergusson, D. M., Horwood, L. J., & Lynskey, M. T. (1995). Maternal Depressive Symptoms and Depressive Symptoms in Adolescents. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 36, 1161-1178.
- Grebot, E., Paty, B., & Girarddephanix, N. (2006). Relationships between defense mechanisms and coping strategies, facing exam anxiety performance. *Article in French*, 32(3 Pt 1), 315-324.
- Howel, A. J., Watson, D. c., Powell, R. A., & Buro, K. (2006). Academic procrastination: The pattern and correlates of behavioural postponement. *Personality and Individual Differences*, 40, 1519-1530.
- Howell, A.J., & Watson, D.C. (2007). Procrastination: Associations with achievement goal orientation and learning strategies. *Personality and Individual Differences*, 43(1), 167-178.
- Klassen, R. M., & Kuzucu, E. (2009). Academic procrastination and motivation of adolescents in Turkey. *Educational psychology*. 29(1), 69-81.
- Lay, C.H. (1986). At last, my research article on procrastination. *Journal of Research in Personality*, 20(4), 474-495.
- Lee, D.G., Kelly, K.R., & Edwards, J.K. (2006). A closer look at the relationships among trait procrastination, neuroticism, and conscientiousne. *Personality and Individual Differences*, 40(1), 27-37.
- Lefkowitz, E.S., & Fingerman, K.L. (2003). Positive and negative emotional feelings and behaviors in mother-daughter ties in late life. *Journal of family*



- psychology, 17(4), 607-617.
- Macedo, A. Marques, M., Bos, S., Maia, B.R., Pereira, T., Soares, M.J., Valente, J., Gomes, A.A., Nogueira, V., & Azevedo, M.H. (2011). Mother's personality and infant temperament. *Infant Behavior and Development, 34*, 552– 568.
- Steel, P. (2007). The nature of procrastination: a meta-analytic and theoretical review of quintessential self-regulatory failure. *Psychological Bulletin, 133*(1), 65-94.
- Steel, P., Brothen, T., & Wambach, C. (2001). Procrastination and personality, performance, and mood. *Personality and Individual Differences, 30*(1), 95-106.
- Tice, D.M., & Baumeister, R.F. (1997). Longitudinal study of procrastination, performance, stress, and health: The costs and benefits of dawdling. *Psychological Science, 8*(6), 454-458.
- Tomasetto, C., Alparone, F.R., & Cadinu, M. (2011). Girls' math performance under stereotype threat: the moderating role of mothers' gender stereotypes. *Developmental psychology, 47*(4), 943-949.
- Tuckman, B. W. (1991). The development and concurrent validity of the procrastination scale. *Educational and psychological measurement, 51*.
- Vaillant, G.E. (2002). *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 3355–3359.
- Van Eerde, W. (2003). Procrastination at work and time management training. *Journal of Psychology, 137*(5), 421-434.
- Watson, D.C. (2001). Procrastination and the five-factor model: a facet level analysis. *Personality and Individual Differences, 30*(1), 149-158.

نویسندگان

آسیه صفرزاده

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

دکتر محمد سعید عبدخدایی

دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد- دارای دکتری روانشناسی تربیتی از دانشگاه علامه طباطبائی - دارای ۲۲ مقاله علمی پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی - ۲۸ مقاله ارائه شده در همایش‌های ملی و بین‌المللی - تألیف کتاب و چند طرح پژوهشی - راهنمایی و مشاوره بیش از ۵۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد

دکتر زهرا طبیبی

استادیار گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد- دارای دکتری روانشناسی رشد از دانشگاه شیپیلد انگلستان - دارای ۱۸ مقاله علمی پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی - ۱۴ مقاله ارائه شده در همایش‌های ملی و بین‌المللی - راهنمایی و مشاوره بیش از ۳۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد